

بررسی فقهی - حقوقی قوانین مربوط به جریمه و خسارت تأخیر تأدیه در ایران

سیدعباس موسویان*

چکیده

در کشور ایران همانند بیش تر کشورها، برای جلوگیری از آثار سوء تعویق پرداخت بدهی‌ها، قوانین خاصی تدوین شده است. بخشی از این قوانین مربوط به بدهکارانی است که به دلالی ناتوان از پرداخت بدهی خود هستند، بخش دیگر مربوط به بدهکارانی است که در عین توانایی پرداخت، به دلالی حاضر به پرداخت بدهی خود نبوده و در نتیجه مشکلاتی را برای جامعه و طلبکاران به وجود می‌آورند.

قوانین مربوط به بخش دوم که با عنوان‌های «جریمه تأخیر تأدیه» و «خسارت تأخیر تأدیه» شناخته می‌شوند به دلال تشابه با عنوان «ربا» محل بحث و گفت‌وگو می‌باشد و در طول زمان تغییرات و تحولات زیادی پیدا کرده است. در این مقاله سیر تحولات این بخش از قوانین و آخرین وضعیت قوانین مصوب تبیین و از جهت فقهی مورد بررسی قرار می‌گیرد و نشان داده می‌شود که آن‌ها گرچه با برخی آرای فقهی مراجع تقلید سازگار و با برخی ناسازگارند اما بر اساس مستندات فقهی قابل قبولی بنیان نهاده شده‌اند.

واژگان کلیدی: ربا، ربای فرضی، ربای جاهلی، جریمه تأخیر تأدیه، خسارت تأخیر تأدیه.

*. استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

مقدمه

یکی از مسایل مهم در قراردادهای مدت دار چون بیع نسبه و قرض، امتناع بدهکار از پرداخت به موقع بدهی است، و این پدیده هر چند گاهی به حق و قابل دفاع باشد آثار سوء فراوانی بر جای می‌گذارد که مهم‌ترین آن‌ها سلب اعتماد عمومی، کاهش معاملات مدت دار، کاهش اعطای قرض الحسنه، سنگین شدن وثیقه‌ها و ضمانت‌ها در قراردادهای مالی و کاهش حجم مبادلات و رفاه عمومی است. این در حالی است که امروزه بخش مهمی از معاملات به ویژه در سطح عمده فروشی به صورت مدت دار است.

در بیش تر جوامع بشری به ویژه کشورهای پیشرفته برای حل مشکلات و کاستن از آثار سوء تعویق پرداخت بدهی‌ها، قوانین و راه‌کارهایی تنظیم شده است که در عین تنوع، در دو گروه طبقه بندی می‌شوند. گروه اول مربوط به بدهکارانی است که به دلایلی چون ورشکستگی و حوادث دیگر ناتوان از پرداخت بدهی هستند و گروه دوم مربوط به بدهکاران مختلفی است که با وجود تمکن از پرداخت بدهی، نقض تعهد کرده از پرداخت بدهی امتناع .

در کشور ایران نیز برای تشخیص و حل مشکل گروه نخست، قوانین خاصی چون قانون ورشکستگی و اعسار مطرح است و برای پیش‌گیری از تخلف و مجازات متخلفین گروه دوم نیز قوانین خاصی با عنوان «جریمه تأخیر تأدیه» و «خسارت تأخیر تأدیه» در موارد مختلف چون قانون آیین دادرسی مدنی، قانون چک و قانون نحوه وصول مطالبات بانک وضع شده است. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و به دلیل حساسیت مردم و مسئولین نظام به اسلامی شدن قوانین و تشابه خیلی زیاد عناوین «جریمه تأخیر تأدیه» و «خسارت تأخیر تأدیه» با عنوان «ربا» که از محرّمات مسلم فقّه اسلامی است، زمینه بحث‌های زیادی پیرامون قوانین مربوطه فراهم آمد به گونه‌ای که این قوانین تحولات و افت و خیزهای زیادی پیدا کرده است.

این مقاله که از دو بخش تشکیل شده، نخست به بررسی تحولات قانونی مسئله «تأخیر تأدیه» و «خسارت تأخیر تأدیه» می‌پردازد. برای این منظور قوانین قبل و بعد از انقلاب و آخرین مصوبات موجود در این باره توضیح داده می‌شود. سپس به بررسی مستند فقهی آخرین قوانین و مقررات مصوب پرداخته و در این قسمت علاوه بر بررسی میزان انطباق قوانین مصوب با آرای فقهی مراجع تقلید، مستندات فقهی قوانین نیز تبیین می‌گردد.

۱۲۱
فقه حقوق

سال اول / شماره اول / زمستان ۱۳۹۱

مشکل تأخیر تأدیه در قوانین ایران

علاوه بر قوانین ورشکستگی و اعسار که در قانون مدنی و آیین دادرسی مدنی ایران جایگاه خاص دارد و در مورد بدهکارانی است که ناتوان از پرداخت بدهی هستند، نسبت به خود را به موقع نمی‌پردازند نیز قوانین دیگری با عنوان «جریمه تأخیر تأدیه» و «خسارت تأخیر تأدیه» در قوانین مربوط به بانک‌ها و قانون چک و آیین دادرسی وجود دارد. مطالعه تاریخی این قوانین نشان می‌دهد که به تناسب شرایط اجتماعی به ویژه بعد از انقلاب اسلامی، تغییرات و تحولات زیادی داشته‌اند. بر این اساس، این بخش از مقاله در چند قسمت ارائه می‌گردد.

تأخیر تأدیه در قوانین ایران قبل از انقلاب اسلامی

مواد ۲۰ و ۲۳۰ قانون مدنی (مصوب ۱۳۰۷/۲/۱۸) ناظر به تخلف متعاملین از جمله تعویق پرداخت دیون است؛

در ماده ۲۲۱ آمده است: «اگر کسی تعهد اقدام به امری را بکند یا تعهد نماید که از انجام امری خودداری کند در صورت تخلف، مسئول خسارت طرف مقابل است مشروط بر این جبران خسارت تصریح شده و یا تعهد عرفاً به منزله تصریح باشد و یا بر حسب قانون موجب ضمان باشد».

ماده ۲۲۸ نیز چنین مقرر می‌کند: «در صورتی که موضوع تعهد تأدیه وجه نقدی باشد حاکم می‌تواند با رعایت ماده ۲۲۱ مدیون را به جبران خسارت حاصله از تأخیر در تأدیه دین محکوم نماید».

در ماده ۲۳۰ نیز آمده است: «اگر در ضمن معامله شرط شده باشد که در صورت تخلف متخلف مبلغی به عنوان خسارت، تأدیه نماید حاکم نمی‌تواند او را به بیش کم‌تر از آن که ملزم شده است محکوم کند».

مواد ۷۰۹ تا ۷۲۶ قانون آیین دادرسی مدنی (مصوب ۱۳۱۸) جزئیات نقض تعهد به ویژه خسارت ناشی از تأخیر را روشن‌تر بیان می‌کند؛ برخی از این مواد عبارت‌اند از:

ماده ۷۱۹: «در دعاوی که موضوع آن وجه نقد است اعم از این که راجع به معاملات با حق استرداد یا سایر معاملات استقراضی یا غیر معاملات استقراضی، خسارت تأخیر تأدیه معادل صدی دوازده (۱۲٪) محکوم به، در سال است و اگر علاوه بر این مبلغ قراردادی به عنوان وجه

التزام یا مال الصلح یا مال الاجاره و هر عنوان دیگری شده باشد در هیچ مورد بیش از صدی دوازده در سال نسبت به مدت تأخیر شده داده نخواهد شد لیکن اگر مقدار خسارت کم‌تر از صدی دوازده معین شده باشد به همان مبلغ که قرارداد شده است حکم داده می‌شود» .
ماده ۷۲۰: «خسارت تأخیر تأدیه محتاج به اثبات نیست و صرف تأخیر در پرداخت برای مطالبه و حکم کافی است» .

علاوه بر قانون مدنی و آیین دادرسی، قانون ثبت اسناد و املاک، مصوب / / مواد ۳۴ تا ۳۶ و تبصره‌های آن، موضوع تأخیر تأدیه، خسارت دیرکرد و وجه التزام را مطرح می‌کند؛ در ماده قانون ثبت آمده است: «خسارت تأخیر تأدیه در صورتی که در محاکم عدلیه مورد مطالبه واقع شود مشمول مواد ۴۲ و ۴۴ قانون تسریع محاکمات خواهد بود و در صورتی که به وسیله اداره ثبت مأخوذ شود از قرار صدی دوازده در سال بوده و تمام آن به طلبکار داده می‌شود...» .

تأخیر تأدیه در قوانین ایران بعد از انقلاب

بعد از وقوع انقلاب اسلامی و توجه مردم و مسئولین به اجرای قوانین اسلام و ابطال قوانین مخالف با موازین فقهی، چند اقدام در موضوع تأخیر تأدیه صورت گرفت که مهم آنها از این قرار است:

۱- الغای قوانین و آیین نامه‌های مربوط به خسارت تأخیر تأدیه قبل از انقلاب

با پیروزی انقلاب، از مراجع تقلید به ویژه حضرت امام خمینی علیه السلام استفتائاتی شده است که منشأ تغییرات قوانین گردیده است. در یکی از این استفتائات که از طرف انجمن اسلامی کارکنان سازمان ثبت اسناد و املاک کشور از حضرت امام علیه السلام شده، آمده است:

«احتراماً به عرض می‌رساند، چون اعضای انجمن اسلامی کارکنان سازمان ثبت اسناد در وقتی که با اجرای مفاد مادتين ۳۶ و ۳۷ آیین نامه اجرای اسناد رسمی لازم‌الاجرا که فتوایی آن به پیوست می‌باشد به جهت منطبق نبودن با روح قانون اساسی و احکام مقدسه اسلام تکلیف شرعی خود را پرسش و اظهار می‌دارند که طلبکاران تقاضای خسارت تأخیر تأدیه (صدی دوازده در سال) از بدهکاران خود می‌نمایند و ما نمی‌توانیم از اجرای مفاد فوق عدول نماییم، تکلیف شرعی ما چیست؟ تقاضا داریم در این مورد انجمن اسلامی را ارشاد فرمایند» .

حضرت امام علیه السلام در جواب فرمودند: «بسمه تعالی، مبلغی که بابت تأخیر تأدیه گرفته می‌شود ربا و حرام است»؛ (مهرپور، :) .

به تدریج مسئله از استفتائات فردی فراتر رفت و به شورای نگهبان که مرجع تصمیم‌گیری در مورد قوانین قبل از انقلاب بود رسید و این شورا طی نامه‌های متعددی قوانین مربوط گرفتن خسارت تأخیر تأدیه را غیر شرعی اعلام نمود. در این جا دو نمونه از پاسخ‌های شورای نگهبان به شورای عالی قضایی نقل می‌شود؛ (همان:)

شورای عالی محترم قضایی - نظریه مورخ ۱۳۶۴/۴/۱۲

۱۵

فهرست حقوق

در رسمی قضایی - - - - -
خودنویس قوانین مربوط به ...

نظر به این که در موضوع حکم خسارت تأخیر تأدیه مراجعات متعدد به شورای نگهبان می‌شود و از قرار بعضی از شکایات بانک‌ها مطالبه خسارت تأخیر تأدیه می‌نمایند موضوع در جلسه رسمی فقهای شورای نگهبان مطرح شد و به شرح زیر اعلام نظر گردید:

مطالبه مزاد بر بدهی بدهکار به عنوان خسارت تأخیر تأدیه چنانچه حضرت امام مدظله نیز صریحاً به این عبارت (آنچه به حساب دیرکرد تأدیه بدهی گرفته می‌شود ربا و حرام است) اعلام نموده‌اند جایز نیست و احکام صادره براین مبنا شرعی نمی‌باشد. بنابراین مواد ۷۲۳۱ قانون آیین دادرسی حقوقی و سایر مواردی که به‌طور متفرق احتمالاً در قوانین در این رابطه موجود باشد خلاف شرع انور است و قابل اجرا نیست.

دبیر شورای نگهبان / لطف‌الله صافی

شورای محترم عالی قضایی - نظریه مورخ ۱۳۶۷/۱۰/۱۴

عطف به نامه شماره ۱/ مورخ ۱۳۶۲/۵/۳۱ آن شورای محترم و پیرو نامه‌های شماره ۹ مورخ // ۱۳ و شماره ۳ مورخ // ۱۳ با این که نیازی به اظهار نظر مجدد نیست و تمام مواد و تبصره‌های موجود در قوانین و آیین نامه‌ها و مقرراتی که اجازه اخذ مبلغی را به عنوان خسارت تأخیر دیه می‌دهد (که حقیقت آن اخذ مزاد بر بدهی طلبکار است) باطل است معذک به لحاظ این که بعض مقامات ثبتی هنوز هم تردید دارند فلذا نظر شورای نگهبان به شرح ذیل اعلام می‌شود:

آن قسمت از ماده ۳۴ قانون ثبت و تبصره ۵ و ماده ۳۶ و ۳۷ آیین نامه اجرایی ثبت که اخذ مزاد بر بدهی بدهکار را به عنوان خسارت تأخیر تأدیه مجاز شمرده است خلاف موازین شرع و باطل اعلام می‌شود. لازم به تذکر است که تأخیر ادای دین حال پس از مطالبه طلبکار برای شخص متمکن شرعاً جرم و قابل تعزیر است.

دبیر شورای نگهبان / محمد محمدی گیلانی

۲- موافقت شورای نگهبان با دریافت جریمه تأخیر تأدیه توسط بانکها

حذف خسارت تأخیر تأدیه مشکلات متعددی برای طلبکاران به ویژه بانکها در پی داشت. افراد زیادی که وامهای کلانی از بانکها گرفته بودند، انگیزه‌ای برای پرداخت به موقع بدهی نداشتند و این اختلال زیادی در برنامه بانکها به وجود می‌آورد، بر این اساس بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با احساس خطر به فکر مذاکره با شورای نگهبان افتاد و در این راستا نامه‌هایی بین بانک مرکزی و شورای نگهبان مبادله شد. آخرین نامه‌ای که منتهی به تنظیم ماده خاصی در قراردادهای بانکی گردید گویای مطالب زیادی است که به شرح زیر می‌باشد (مهرپور، همان:).

شورای نگهبان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

همان‌طور که استحضار دارند، نظر آن شورای محترم در خصوص اخذ جریمه ناشی از تأخیر تأدیه مطالبات بانکها از مشتریان خود طی نامه شماره ۳۳۶/ هـ مورخ / / استفسار گردید. پاسخ نامه مذکور طی نامه شماره ۵۶ مورخ / / ۱۳۶۱ که حاوی نظرات اصلاحی شورا بود به بانک مرکزی ایران ابلاغ شد لکن نظر به این‌که اجرای نظرات اصلاحی آن شورا بانکها را عملاً مواجه با مشکلاتی می‌نمود مراتب با حضور حضرت آیت‌الله حاج آقا غلامرضا رضوانی عضو فقهای شورای نگهبان قانون اساسی در چهارصد و هفتاد و نهمین جلسه شورای پول و اعتبار مطرح گردید و قرار شد تغییرات لازم در این مورد به عمل آید. اکنون عین مفاد ماده‌ای که در قراردادهای سیستم بانکی با مشتریان خود تحت عنوان «خسارت تأخیر تأدیه» گنجانده می‌شود جهت اظهار نظر تقدیم می‌گردد. خواهشمند است نظر آن شورا را در مورد متن ذیل اعلام و مراتب را ابلاغ فرمایند.

در صورت عدم تسویه کامل بدهی ناشی از قرارداد تا سررسید مقرر، به علت تأخیر در تأدیه بدهی ناشی از این قرارداد از تاریخ سررسید تا تاریخ تسویه کامل بدهی، مبلغی به ذمه امضا کننده این قرارداد تعلق خواهد گرفت، از این رو وام و یا اعتبار گیرنده با امضای این قرارداد، ملزم و متعهد می‌شود تا زمان تسویه کامل بدهی ناشی از این قرارداد، علاوه بر بدهی تأدیه نشده مبلغی معادل ۱۲٪ مانده بدهی برای هر سال نسبت به بدهی مذکور برحسب قرارداد، به بانک پرداخت نماید. به همین منظور وام و یا اعتبار گیرنده، ضمن امضای این قرارداد، به طور غیر قابل برگشت به

اختیار داد که از تاریخ سررسید تا تاریخ تسویه کامل بدهی، معادل مبلغ مورد قرارداد از حساب‌های وام و یا اعتبار گیرنده برداشت و یا به همان میزان از سایر دارایی‌های آن تملک نماید. اخذ مبلغ مقرر موضوع این ماده مانع تعقیب عملیات اجرایی برای وصول مطالبات بانک نخواهد شد. رئیس بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران / محسن نوربخش

فقه‌های شورای نگهبان با تغییر مختصری پیشنهاد شورای پول و اعتبار را پذیرفته و آن را طی نامه‌ای به طور رسمی ابلاغ کردند:

۱۷

نقد حقوق

رئیس کل بانک مرکزی ایران

عطف به نامه شماره ۵/ مورخ ۱۳۶۱/۱، موضوع در جلسه فقه‌های شورای نگهبان مطرح گردید و به شرح زیر اظهار نظر شد:

عمل به ترتیبی که در چهارصد و هفتاد و نهمین جلسه شورای پول و اعتبار تصمیم گرفته شده و ضمیمه نامه فوق‌الذکر ارسال داشته‌اند با اصلاح عبارت «هی» به عبارت «کامل اصل بدهی» اشکالی ندارد و مغایر با موازین شرعی نمی‌باشد.

دبیر شورای نگهبان / لطف‌الله صافی

بعد از تصویب قانون عملیات بانکداری بدون ربا در شهریور ۱۳۶۲، نظام بانکی با استناد به موافقت شورای نگهبان، متناسب با انواع قراردادهای بانکی ماده‌ای را به صورت شرط ضمن عقد، در متن قراردادهای بانکی گنجانده که در نتیجه آن مشتری به مقتضای شرط ضمن عقد متعهد می‌شود در صورت تأخیر در پرداخت بدهی، مبلغ معادل ۱۲٪ اصل بدهی به عنوان جریمه تأخیر به بانک بپردازد؛ (خاوری، ...).

۳- موافقت مجمع تشخیص مصلحت با توسعه دریافت جریمه تأخیر تأدیه توسط بانک‌ها

با موافقت شورای نگهبان برای گنجاندن ماده‌ای ضمن قرارداد برای دریافت خسارت تأخیر تأدیه، مشکل قراردادهایی که از آن پس در نظام بانکی منعقد می‌شود، رفع گردید، اما قراردادهایی که قبل از آن منعقد شده بود همچنان باقی بود. برخی از بانک‌ها با استناد به موافقت شورای نگهبان، از مشتریان این قراردادها نیز مطالبه خسارت تأخیر تأدیه می‌کردند و

این خلاف مصوبه شورا بود. بر اساس این، شورای نگهبان طی نامه‌ای مخالفت خود را ابراز کرد؛ (مهرپور، همان:).

رئیس کل محترم بانک مرکزی ایران

با عنایت به فتوای صریح حضرت امام مدظله و اعلام‌های مکرر شورای نگهبان بر حرمت مبلغی که به عنوان خسارت تأخیر تأدیه دریافت می‌شود بر حسب شکایات متعدد که از سوی مقامات و افراد می‌رسد بانک‌ها به عنوان تأخیر تأدیه نسبت به معاملاتی که قبل از قانون جدید به‌طور ربوی انجام شده از بدهکاران مطالبه خسارت دیرکرد می‌نمایند و جواز این حرام مسلم را رسماً به موافقت شورای نگهبان مستند می‌سازند، لازم است صریحاً به کلیه بانک‌ها دستور دهید که در مطالبه زاید بر مبلغ اصل بدهی به عنوان خسارت تأخیر تأدیه یا دیرکرد خودداری نمایند و افرادی که به شورای نگهبان این استناد واهی را داده‌اند مورد مؤاخذه لازم قرار دهید و نتیجه را به شورای نگهبان اعلام فرمائید.

دبیر شورای نگهبان / لطف‌الله صافی

به دنبال این نامه، بانک‌ها از گرفتن خسارت نسبت به قراردادهای سابق منع شدند اما مشکل هم‌چنان باقی بود. بسیاری از افراد وام‌های کلانسی از نظام بانکی دریافت کرده بودند و با وضعیت پیش آمده حاضر به بازپرداخت نبودند، حتی گروهی از آن‌ها که خسارت تأخیر، پرداخت کرده بودند علیه بانک‌ها شکایت کرده و در برخی موارد محاکم علیه بانک داده بودند؛ (مهرپور، همان: ۱۹۸). استمرار این وضعیت برای بانک‌ها مشکل بود و به نظر راه حل فقهی نداشت، به این جهت حل مشکل به مجمع تشخیص مصلحت واگذار شد و این مجمع در پنجم دی ماه تصویب‌ای را با عنوان «قانون نحوه وصول مطالبات بانک» تصویب رساند؛ (مهرپور، همان:).

«قانون نحوه وصول مطالبات بانک‌ها» از این قرار است:

ماده ۱. کلیه وجوه و تسهیلات مالی که بانک‌ها تا تاریخ اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب ۱۳۶۲/۶/۸ مجلس شورای اسلامی به اشخاص حقیقی و حقوقی تحت هر عنوان پرداخت نموده‌اند اعم از آن که قراردادی در این خصوص تنظیم شده یا نشده باشد و مقرر بوده است که بدهکار در سررسید معینه تسهیلات مالی و وجوه دریافتی را اعم از اصل و سود و سایر متفرعات مسترد دارد بر اساس مقررات و شرایط زمان اعطای این وجوه و تسهیلات

قابل مطالبه و وصول است. کلیه محاکم دادگستری و مراجع قضایی و دواير اجرای ثبت مکلف اند طبق مقررات و شرایط زمان اعطای وجوه و تسهیلات، رسیدگی و نسبت به صدور حکم و وصول مطالبات بانکها اعم از اصل و هزینه‌ها و خسارات و متفرعات متعلقه (خسارت تأخیر تأدیه، جریمه عدم انجام تعهد و غیره) اقدام نمایند.

ماده ۲. در خصوص دعاوی که قبلاً راجع به مطالبات بانکها نزد مراجع قضایی مطرح و منجر به صدور حکم شده است و هزینه‌ها و متفرعات و جریمه تأخیر تأدیه و جزای تخلف از شرط متعلقه که وصول آن به نفع بانک مورد لحوق حکم واقع نشده است، بانک می‌تواند تقاضای تصحیح حکم را از مرجع صادر کننده حکم بنماید و مرجع صادر کننده حکم مکلف است وفق مقررات این قانون رسیدگی و احکام صادره را تصحیح نماید. مقررات این قانون در مورد دعاوی که در حال حاضر در محاکم مطرح و در حال رسیدگی است نیز اعمال می‌گردد.

تبصره - دواير اجرای ثبت اسناد و املاک مکلف‌اند بر اساس مفاد اسناد و قراردادهای تنظیمی بین بانکها و مشتریان که منجر به صدور اجرائیه شده اعم از آن‌که عملیات اجرائی خاتمه پیدا کرده یا در جریان اجرا باشد نسبت به وصول خسارت تأخیر تأدیه و سایر متفرعات و هزینه‌های مربوط طبق مقررات این قانون عمل نمایند.»

این مصوبه در تاریخ ۱۳۶۸/۱۲/ به تأیید مقام معظم رهبری رسید و به مورد اجرا گذاشته (مهرپور، همان). متن تأییدیه به این قرار است:

بسم الله الرحمن الرحيم

مصوبه مجمع محترم تشخیص مصلحت در مورد مطالبات بانکها و دعاوی مربوط به این امر، مورد تأیید و لازم‌الاجرا است، بدین وسیله مفاد آن به دستگاه‌های ذیربط ابلاغ می‌شود.

سیدعلی خامنه‌ای - ۱۳۶۸/۱۲/۱۳

۴- جواز دریافت خسارت تأخیر تأدیه برای دارندگان چک

همان‌طور که بیان شد، مشکل تأخیر تأدیه و خسارت‌های ناشی از آن اختصاص به بانک ندارد و مردم عادی، بنگاه‌های اقتصادی، مؤسسه‌های مالی خصوصی و دولتی نیز گاهی مطالباتی دارند که پرداخت آن ، می‌افتد و خسارت‌هایی هر چند به معنای عدم نفع به آنان وارد می‌شود. برای حل مشکل دریافت خسارت تأخیر تأدیه قبل از انقلاب علاوه بر

قوانین عادی که گذشت ماده ۱۱ قانون چک مصوب سال ۱۳۵۵، طلبکار را مجاز به دریافت خسارت تأخیر تأدیه در حد $\frac{1}{3}$ می‌کرد؛ (هدایت‌نیا، ۱۳۸۲: ۲۱۲). مفاد این ماده به صورت ماده ۱۲ قانون اصلاح صدور چک در سال ۱۳۷۲ به تصویب مجلس و شورای نگهبان رسید. در این ماده آمده بود:

«هرگاه قبل از صدور حکم قطعی، شاکی گذشت نماید و یا این که متهم وجه چک و خسارت تأخیر تأدیه را نقداً به دارنده آن پرداخت کند، موجبات پرداخت وجه چک و خسارت مذکور (از قرار صدی دوازده در سال از تاریخ ارائه چک به بانک) را فراهم کند یا در صندوق دادگستری یا اجرای ثبت تودیع نماید مرجع رسیدگی قرار موقوفی تعقیب صادر خواهد کرد...».

پیرو تصویب قانون چک و گنجاندن عین ماده ۱۱ قانون سابق (مصوب ۱۳۵۵) در قانون جدید، شبهه‌ای برای قضات به وجود آمده و به دنبال آن نامه‌ای از سوی قائم مقام دادگستری استان تهران به شورای نگهبان ارسال و از ماده مذکور استفسار شد؛ در قسمتی از این نامه آمده است:

«... با عنایت به نظریه فقهای محترم شورای نگهبان مندرج در روزنامه رسمی شماره

۱۳۶۲/۱۰/۱۱ که دریافت خسارت تأخیر تأدیه موضوع مواد ۷۱۲ و ۷۱۹ قانون آئین دادرسی مدنی را مغایر با موازین شرعی شناخته‌اند، نقل متن ماده ۱۱ قانون صدور چک بلامحل مصوب سال ۱۳۰۰ به قانون اصلاحی صدور چک بلا محل مصوب ۱۳۷۲ چنین برداشت شده است که چون فقهای محترم متعرض خسارت تأخیر تأدیه مذکور در ماده فوق‌الاشعار نشده‌اند محتوای این ماده را من حیث‌المجموع خلاف شرع نمی‌دانند و چون از تاریخ لازم‌الاجرا شدن قانون صدور چک بلا محل اخیرالتصویب به این طرف نسبت به خسارت تأخیر تأدیه مذکور در این ماده نظریه‌های قضایی مختلفی وجود دارد، تقاضا دارد نظریه فقهای محترم را امر به ابلاغ فرمایند.

قائم مقام دادگستری استان تهران / ناصری

جواب شورای نگهبان از این قرار است:

حضرت آیت‌الله یزدی رئیس محترم قوه قضائیه

با سلام، نامه شماره / ۱ مورخ ۱۳۷۴/۱۲/۲۷ قائم مقام رئیس کل دادگستری استان تهران در جلسه رسمی مورخ ۱۳۷۶/۲/۳۱ آقایان فقهای شورای نگهبان مطرح و نظر آقایان فقها بدین شرح اعلام می‌گردد:

نظریه‌های شماره ۹۴ مورخ // و ۳۸ مورخ // و ۳۳ مورخ

۱۳۶۷/۱۰/۱۴ فقهای شورای نگهبان به عنوان شورای عالی محترم قضایی در خصوص تأخیر تأدیه

دبیر شورای نگهبان / احمد جنتی

شورای نگهبان با این نامه عملاً ماده ۱۲ قانون چک مصوب ۱۳۷۲ را نسخ کرد؛ (هدایت همان: ۲۱۴). با این کار دوباره مشکل اخیر بدهی‌ها زنده شد، به ویژه این‌که در آن سال‌ها اقتصاد ایران با نرخ تورم بالایی روبه‌رو بود و طلبکار افزون بر خسارت عدم انتفاع از طلب خود، هر سال بخشی از دارایی خود را به خاطر تورم از دست می‌داد و ادامه این وضعیت به نفع افراد متخلف بود. بر اساس این، مجمع تشخیص مصلحت نظام برای جبران خسارت و تأمین در تاریخ // ۱ تبصره‌ای به ماده ۲ قانون چک ملحق نمود؛ متن تبصره چنین است:

«دارنده چک می‌تواند محکومیت صادرکننده را نسبت به پرداخت کلیه خسارت و هزینه‌های وارد شده که مستقیماً به طور متعارف در جهت وصول طلب خود از ناحیه وی متحمل شده است، اعم از آن‌که قبل از صدور حکم یا پس از آن باشد، از دادگاه تقاضا نماید، در صورتی که دارنده چک جبران خسارت و هزینه‌های مزبور را پس از صدور حکم درخواست کند باید درخواست خود را به همان دادگاه صادرکننده حکم تقدیم نماید».

ابهام این تبصره نسبت به برخی خسارت‌ها به ویژه خسارت تأخیر تأدیه موجب شد محاکم از مجمع تشخیص مصلحت نظام استفسار نمایند و این مجمع در تاریخ // تصویب ماده واحده‌ای به تفسیر آن تبصره پرداخت؛ متن ماده واحده مذکور چنین است:

«ماده واحده: منظور از عبارت «کلیه خسارت و هزینه‌های وارد شده...» مذکور در تبصره الحاقی به ماده (۲) قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک مصوب // ت نظام، خسارت تأخیر تأدیه بر مبنای نرخ تورم از تاریخ چک تا زمان وصول آن که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام شده و هزینه‌های دادرسی و حق‌الوکاله بر اساس تعرفه‌های قانونی است. فوق بر ماده واحده در ۴ روز، یکم آذرماه یک‌هزار و صد و هفتاد و هفت مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسیده است.

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام / اکبر هاشمی رفسنجانی

۲۱
فهرست حقوق

بررسی قضایی - حقوقی قوانین مربوط به ...

در تاریخ ۱۳۸۲/۶/۲ بار دیگر قانون چک اصلاح شد و موادی از آن تغییر یافت. ماده قانون جدید ناظر به مسئله خسارت تأخیر تأدیه است که به دنبال جمع بین نظر مجمع تشخیص مصلحت نظام و قانون چک سابق است. متن ماده ۴ به این قرار است: (روزنامه رسمی، صفحه مورخ //):

«عبارت «از قرار صدی دوازده در سال» از ماده (۱۱) قانون صدور چک مصوب // حذف و مفاد زیر به عنوان تبصره به آن اضافه می‌گردد:

تبصره - میزان خسارت و نحوه احتساب آن بر مبنای قانون الحاق یک تبصره به ماده (۲) قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک - مصوب // ۱۳۷۶/ مجمع تشخیص مصلحت نظام - خواهد بود. شایان ذکر است بعد از الحاق تبصره به ماده (۲) و تفسیر آن توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام در تاریخ ۱۳۷۶/۳/، این تبصره لازم‌الاجرا گردید و در محاکم به جریان گذاشته شد.

۵ - جواز دریافت خسارت تأخیر تأدیه برای همه طلبکاران

قدم بعدی برای تکمیل موضوع دریافت خسارت تأخیر تأدیه در قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱ برداشته شد. در ماده ۵۲۲ این قانون در حقیقت مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام برای دارندگان چک، تعمیم داده شد و شامل کلیه طلبکاران گردید. ضمن این آن مصوبه در ضمن قانون آیین دادرسی به تصویب مجلس و تأیید شورای نگهبان رسید و به صورت قانون رسمی درآمد. متن ماده مذکور چنین است:

«ماده ۵۲۲ - در دعاوی که موضوع آن دین و از نوع وجه رایج بوده و با مطالبه داین و تمکن مدیون، مدیون امتناع از پرداخت نموده، در صورت تغییر فاحش شاخص قیمت سالانه از زمان سررسید تا هنگام پرداخت و پس از مطالبه طلبکار، دادگاه با رعایت تناسب تغییر شاخص سالانه که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌گردد محاسبه و مورد حکم قرار خواهد داد مگر این‌که طرفین به نحو دیگری مصالحه نمایند».

این قانون از جهات مختلف نسبت به قوانین دیگر عمومیت داشته و قراردادهای غیربانکی، قراردادهای بانکی قبل از تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا و بعد از آن، طلبکاران دارنده چک و غیر آنان، همه را شامل می‌شود. هرچند از نظر محتوا دارای نکاتی است که از جزمیت و عملیاتی بودن قانون می‌کاهد و موضوعاتی چون «مطالبه داین»، «تمکن مدیون» و «فاحش» نیاز به اثبات داشته و چه بسا خود منشأ اختلاف و نزاع می‌گردند.

۶ - جواز دریافت خسارت تأخیر تأدیه از خارجیان

رئیس دولت وقت در سال ۱۳۶۰ طی نامه‌ای حکم شرعی دریافت بهره و خسارت تأخیر تأدیه از کمیساریای انرژی اتمی فرانسه را از شورای نگهبان استعلام کرد و این شورا طی نامه شماره ۵ مورخ ۱۳۶۰/ / چنین پاسخ داد:

«... مطالبه بهره و خسارت دیرکرد بر مبنای موافقت نامه مورخ بهمن ۱۳۵۳ برابر با ۲۳ فوریه ۱۹۷۵ با کمیساریای انرژی اتمی فرانسه و با ضمانت دولت فرانسه با موازین شرعی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مغایرت ندارد».

در سال ۱۳۶۶ نامه کلی‌تری به شورای نگهبان ارایه شد و این شورا طی نامه ۹۳ مورخ ۱۳۶۶ / / چنین جواب داد:

«دریافت بهره و خسارت تأخیر تأدیه از دولت‌ها و مؤسسات و شرکت‌ها و اشخاص خارجی که بر حسب مبانی عقیدتی خود دریافت آن را ممنوع نمی‌دانند شرعاً مجاز است، لذا مطالبه وصول این‌گونه وجوه مغایر با قانون اساسی نیست و اصول چهل و سوم و چهل و نهم قانون اساسی شامل این مورد نمی‌گردد».

جمع‌بندی قوانین و مقررات ایران درباره خسارت تأخیر تأدیه:

- ۱- با تأیید شورای نگهبان (مورخ ۱۳۶۱/۱۱/۲۸) دریافت مبلغی به عنوان جریمه تأخیر تأدیه، در قراردادهای بانکی، در صورتی که به عنوان شرط ضمن عقد، در متن قرارداد آمده باشد، مجاز است؛
- ۲- مطابق مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام (مورخ ۱۳۶۱ / /) می‌تواند از قراردادهای بانکی سابق بر قانون عملیات بانکداری بدون ربا (که در متن قرارداد آن تأخیر نیامده است)، در صورت تأخیر در پرداخت، خسارت تأخیر تأدیه دریافت کنند؛
- ۳- مطابق آخرین اصلاح قانون چک (مصوب ۱۳۸۲/۱/) دارنده چک می‌تواند بر مبنای نرخ تورم اعلام شده از طرف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، از بدهکار خسارت تأخیر تأدیه بگیرد؛
- ۴- طبق ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی (مصوب ۱۳۷۹/۱/) طلبکار می‌تواند به اندازه نرخ تورم خسارت تأخیر تأدیه دریافت کند مشروط بر این‌که دین را مطالبه کند و بدهکار با داشتن تمکن امتناع از پرداخت کند و نرخ تورم فاحش باشد؛
- ۵- مطابق تأیید شورای نگهبان (مورخ ۱۳۶۶ / /) جایز است از دولت‌ها، مؤسسات، شرکت‌ها و اشخاص خارجی که بر حسب مبانی عقیدتی خود دریافت بهره و خسارت تأخیر تأدیه را ممنوع نمی‌دانند، بهره و خسارت تأخیر تأدیه گرفت.

مستندات فقهی قوانین مصوب

در این قسمت تنها به بیان مستند فقهی آخرین قوانین و مقررات مصوب بسنده می‌کنیم. اما قبل از ورود به بحث بیان دو نکته ضروری است.

نکته اول: گاهی بدهکار به جهت حوادث مختلف گرفتار فقر و تنگدستی شده، توان پرداخت بدهی را ندارد، در این حالت آیه ۲۸۰ سوره بقره حکم طرفین قرارداد را مشخص کرده است؛ «وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ وَأَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ»؛ اگر [بدهکار] قدرت پرداخت بدهی را نداشته باشد او را تا هنگام توانایی مهلت دهید و [در صورتی که هیچ قدرت ندارد] برای خدا او را ببخشید، بهتر است، اگر منافع این کار را بدانید.

۲۴

همه و همون

در روایات نیز راه‌کارهای لازم برای استیفای حقوق طرفین پیش‌بینی شده است. در قوانین مصوب ایران نیز برای صاحبان حرفه و مشاغل در صورت ورشکستگی و ناتوانی از پرداخت دیون و نیز برای اشخاص و خانواده‌ها در صورت عدم تمکن از پرداخت بدهی، قوانین خاصی با عنوان قانون امور ورشکستگی و قانون اعسار وجود دارد که در موارد ورشکستگی و اعسار بر اساس آن قوانین عمل می‌شود. بنابراین قوانین مربوط به جریمه تأخیر تأدیه به وسیله قوانین امور ورشکستگی و اعسار تخصیص خورده و شامل اشخاص حقیقی یا حقوقی که به دلایل مختلف ورشکسته و ناتوان از پرداخت بدهی هستند نمی‌شود.

دائرة / نظارت

نکته دوم: یکی از مصادیق روشن ربا، افزایش مبلغ بدهی برای تمدید مهلت است. غالب مفسران در تفسیر آیات ربا یکی از مصادیق ربای رایج را در جزیره العرب که قرآن با آن به مبارزه برخاست، افزایش مبلغ در قبال تمدید مدت می‌دانند؛ (بخش فرهنگی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۱: ۸۹ - ۹۲) و همه فقها در طول تاریخ بر ربا و حرام بودن چنین عملی تصریح دارند؛ به عنوان مثال، امام خمینی علیه السلام در این باره می :

«در عدم جواز تأجیل ثمن حال، بلکه مطلق دین به زیادتر بحثی نیست، زیرا همانند زیادی در قرض ربا است و دلیل آن، افزون بر صدق ربا، روایاتی است که در شأن نزول «احلّ الله البيع و حرّم الربا» رسیده و طبق آن‌ها، آیه درباره زیادی مال، در مقابل تأخیر در دین حال نازل شده است، و روایاتی که طبق آن، امام باقر علیه السلام در تأجیل و تعجیل دین به آیه ربا تمسک می‌نند؛ (امام ج، ج ۱: ۱۰۰).

۱- جواز دریافت جریمه تأخیر تأدیه به صورت شرط ضمن عقد

چنان‌که گذشت، فقهای شورای نگهبان طی نامه رسمی (مورخ / / ۱۳۶۱) موافقت کردند بانک‌ها بر اساس شرطی که ضمن قرارداد می‌آورند درصدی به عنوان جریمه تأخیر تأدیه از بدهکاران مختلف دریافت کنند.

حضرت آیت‌الله رضوانی از فقهای شورای نگهبان در تبیین فقهی این نظریه می‌گوید:

«... جریمه تأخیر، ربا نیست، بلکه بانک می‌گوید: سر ماه باید قسط خود را بپردازی، اگر نیاوری، در همان موقع باید فلان مبلغ را به عنوان جریمه بپردازی، نه این که جریمه را می‌دهی تا مبلغ [= قسط] یک ماه دیگر پیش تو بماند، لذا تأخیر تأدیه، ربا نیست. حال که ربا نیست، اگر در ضمن عقد یا قرض شرط شده باشد، حکم «المؤمنون عند شروطهم» دارد و اشکال به وجود نمی‌آید» (رضوانی، : او).

حضرت آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی نیز که در آن تاریخ دبیر شورای نگهبان بود، در پاسخ استفتایی، دریافت جریمه تأخیر را به عنوان وجه التزام مجاز می‌داند. متن سؤال و جواب از این قرار است؛ (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۱: استفتا):

«سؤال: در قرارداد قرض یا غیر آن، شرط می‌شود که «در صورت عدم تسویه کامل اصل بدهی ناشی از قرارداد در سررسید مقرر، علاوه بر اصل بدهی، مبلغ معادل ۱۲ درصد مانده بدهی برای هر سال به ذمه متعهد این قرار داد تعلق خواهد گرفت»، آیا شرط مزبور با مشکل ربا و غیر آن مواجه می‌باشد یا خیر؟ و آیا میان قرض و غیر آن هم چون بیع نسبه یا سلف در این باره فرق هست یا نه؟ جواب: اگر مفهوم شرط مذکور، مجاز بودن مدیون در تأخیر ادای دین در مقابل ۱۲ درصد باشد، ربا و حرام است و اگر مقصود الزام مدیون بر ادای دین رأس مدت مقرر باشد که وجه التزام در مقابل عدم ادا باشد، ظاهراً اشکال ندارد، والله اعلم».

مستند فقهی دیدگاه شورای نگهبان را در دو مرحله بررسی می‌کنیم، در مرحله نخست میزان انطباق این دیدگاه با آرای فقهی مراجع تقلید نشان داده می‌شود و در مرحله بعد به تبیین مستند فقهی دیدگاه شورای نگهبان می‌پردازیم.

مرحله نخست: میزان انطباق شرط جریمه تأخیر با آرای فقهی مراجع تقلید

در سال‌های اخیر سؤال‌های متعددی از مراجع پیرامون جواز گنجاندن شرط جریمه تأخیر در قراردادهای بانکی شده است و هر یک از مراجع بر اساس مبانی خود جواب داده‌اند که

در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود؛ (پایگاه اطلاع رسانی رسا،):

آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای: طبق قانون عمل شود.

آیت‌الله نوری همدانی: بر اساس مقررات حکومت اسلامی عمل شود.

آیت‌الله صافی گلپایگانی: گرفتن اضافه بابت تأخیر پرداخت تأدیه جایز نیست، اگر به

صورت شرط در عقد لازم قید شود معتبر است.

آیت‌الله اردبیلی: با توافق طرفین مانعی ندارد ولی احتیاطاً نباید ضمن همان عقدی باشد که

در آن قرض می‌دهد.

آیت‌الله مکارم شیرازی: [این شرط] اعتبار ندارد.

آیت‌الله تبریزی: گرفتن مبلغ زیادی بابت تأخیر در ادای دین ربا حساب می‌شود و جایز

نیست، چه این زیادی را ضمن عقد شرط کند یا شرط نکند.

مرحله دوم: تبیین مستند فقهی جواز اشتراط جریمه تأخیر ضمن عقد

در تحلیل فقهی دیدگاه شورای نگهبان که دریافت جریمه تأخیر تأدیه را به صورت شرط

ضمن عقد و وجه التزام مجاز می‌داند می‌توان گفت: مطابق قاعده «المؤمنون عند شروطهم»

نزد فقها ثابت است، اگر در ضمن قرار داد صحیح و لازم، شرطی قرار داده شود که اولاً

مخالف مقتضای عقد نباشد، ثانیاً مخالف کتاب و سنت نباشد و ثالثاً مورد توافق طرفین باشد،

این شرط صحیح و همانند عقد لازم الوفا است؛ (تسخیری، ص) .

در موضوع بحث ما فرض بر این است که قراردادهای بانکی قرار دادهای صحیح و لازم

هستند و روشن است که شرط جریمه در صورت تخلف از انجام تعهد و تأخیر تأدیه بدهی،

مخالف مقتضای قراردادهای بانکی چون قرض الحسنه، فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک،

سلف، مضاربه و... نیست و از طرف دیگر مورد توافق و امضای طرفین قرارداد می

نکته‌ای که در صحت شرط باقی می‌ماند، مخالفت شرط مذکور با کتاب و سنت، و به بیان روشن

ربوی بودن شرط است، همان‌گونه که از فتاوی مخالفین شرط جریمه هم همین مطلب فهمیده می‌شود.

روشن است که بر چنین شرطی، ربای معاملی صدق نمی‌کند و بی‌نیاز از بررسی است* اما

*. طبق تعریف فقها، ربای معاملی آن است که دو کالای هم جنس که از اشیای مکمل یا موزون هستند با زیاده عینی

یا حکمی مبادله شوند؛ (امام خمینی، ۱۳۷۹: القول فی الربا) و روشن است که جریمه تأخیر تأدیه از مصادیق مبادله

دو کالای هم جنس نیست.

احتمال صدق ربای قرضی و ربای (ربا در قرض) افزایش دین در مقابل تمدید مدت (ربای جاهلی) و نیز احتمال حیلۀ ربا وجود دارد که نیازمند بررسی است.

۱- احتمال صدق ربای قرضی

مطابق تعریف روایات صحیح و صریحی که در مورد ربای حرام وجود دارد و فقها نیز به آن عمل کرده اند، قرارداد قرض زمانی مبتلا به ربا می شود که در آن شرط زیادی شود، و اگر چنین شرطی نباشد هر چند قرض گیرنده موقع پرداخت، بیش تر یا بهتر از آنچه قرض کرده بپردازد ربای محرم نخواهد بود.

۲۷

نقد حقوق

بررسی فقهی - حقوقی قوانین مربوط به ...

امام صادق علیه السلام در تعریف ربای قرضی حرام می :

«و اما الربا الحرام فهو الرجل یقرض قرضاً و یشرط ان یرد اکثر مما اخذه فهذا هو الحرام» (حرّ :) .

امام خمینی علیه السلام نیز در تبیین ابعاد ربای قرضی می :

«در عقد قرض شرط زیاده جایز نیست، به این که مالی را قرض دهد به شرط این که قرض کننده بیش تر از آنچه قرض کرده، بپردازد» . (امام خمینی، :) .

حال در مسئله « یمه تأخیر » بانکها، اولاً، شرط جریمه همیشه در قرارداد قرض نیست تا قرض ربوی بشود، بلکه اکثر تسهیلات بانکی بر اساس قراردادهای فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، سلف، جعاله، خرید دین، مضاربه، مزارعه، مساقات و مشارکت مدنی است و قرارداد قرض تنها ۵ تا ۱۰ درصد تسهیلات بانکی را تشکیل می دهد. ثانیاً، در شرط جریمه، قرض دهنده شرط نمی کند که قرض گیرنده در سررسید چیزی بیش از آنچه قرض کرده، بپردازد بلکه قرض دهنده همان طور که برای اطمینان از وفای دین گاهی ضامن و گاهی وثیقه و کفیل مطالبه می کند، این بار به جای آنها یا علاوه بر آنها برای الزام قرض گیرنده به وفای دین در سررسید مقرر او را متعهد می کند که در صورت نقض عهد و تخلف از پرداخت به موقع، مبلغی را به عنوان جریمه بپردازد.

بلی اگر هدف قرض دهنده (برای مثال، بانک) این بود که در سررسید، مبلغی به عنوان جریمه بگیرد، یا قصدش این بود که قرض گیرنده در مقابل پرداخت جریمه، مجاز به تأخیر در پرداخت باشد، یا دو طرف بنا بر تأخیر و پرداخت جریمه داشتند، عنوان «قرض به شرط زیاده» بر آن صدق می کرد و مشمول ربای قرضی می شد؛ (وحدتی شبیری، همان:) .

اما همان‌گونه که بیان شد، شرط جریمه، راه‌کاری برای وادار کردن بدهکار به پرداخت به موقع بدهی است و مؤسساتی چون بانک‌ها اگر شواهدی بر عدم پرداخت داشته باشند حتی با علم به این‌که مشتری جریمه تأخیر را می‌پردازد، حاضر به اعطای تسهیلات نیستند. نتیجه این‌که: بر چنین قرضی، قرض با شرط زیادی صدق نمی‌کند و اگر هم شرطی هست از سنخ شرط ضمانت یا وثیقه است.

۲- احتمال صدق تمدید مهلت در مقابل افزایش بدهی

همان‌طور که بیان شد، یکی از مصادیق ربا، تمدید مدت پرداخت در مقابل افزایش بدهی است و این نوع ربا اختصاصی به قرارداد قرض نداشته و شامل همه قراردادهای مدت‌دار می‌شود. به نوشته مفسران، اعراب جاهلی وقتی از کسی طلب داشتند زمانی که سررسید پرداخت فرا می‌رسید به او می‌گفتند: «تعطی او تریبی» یعنی بدهیت را می‌پرداز یا بر مبلغ آن می‌افزایی تا سررسید آن تمدید شود، بدهکار اگر داشت پرداخت می‌کرد و اگر نداشت به مبلغ بدهی می‌افزود و سررسید را به تعویق می‌انداخت. تا این‌که آیات ربا نازل شده و چنین عملی را حرام شمرد؛ (بخش فرهنگی جامعه مدرسین، همان:).

روشن است که مفاد این نوع ربا به توافق استمرار بدهی در مقابل مبلغ می‌گردد و این با مفاد شرط جریمه تأخیر متفاوت است؛ در شرط جریمه تأخیر هدف طلبکار از آوردن چنین شرطی الزام بدهکار به پرداخت به موقع و ارایه راه‌کاری برای جلوگیری از استمرار بدهی است، و در عمل نیز زمانی مبلغی به عنوان جریمه گرفته می‌شود که نقض عهد و تخلفی رخ دهد و اگر بدهکار در سررسید وفای به عهد کند هیچ زیاده‌ای گرفته نمی‌شود و اصولاً بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی معتبر ترجیح می‌دهند بدهکاران در سررسیدهای مقرر بدهی خود را بپردازند تا آنان طبق برنامه‌ریزی معین اهداف خود را پیش ببرند و تأخیر در پرداخت بدهی‌ها موجب اختلال برنامه‌ها و بی‌اعتباری بانک می‌شود و روشن است که هیچ بانک و مؤسسه‌ای به طمع جریمه وارد چنین ریسکی نمی‌شود. بنابراین، بین جریمه تأخیر و افزایش بدهی در مقابل تمدید مدت، تفاوت ماهوی وجود دارد. نکته دیگری که بحث شرط جریمه را از مصداق ربای جاهلی متفاوت می‌کند، عنوان «تخلف» است که موضوع شرط را قق می‌سازد؛ (تسخیری، همان:).

۳- شرط جریمه تأخیر، حيله‌ای برای دریافت ربا

از جمله حيله‌هایی که برخی ربا خواران اروپایی در مقابل کلیسا ابداع کردند، گرفتن ربا به عنوان جریمه تأخیر بود؛ به این صورت که مال خود را برای مدت زمانی کوتاه حتی یک روزه قرض بدون بهره می‌دادند اما با قرض گیرنده شرط می‌کردند که اگر بدهی خود را در سررسید مقرر نپردازد به ازای هر روز یا هر ماه تأخیر فلان مبلغ جریمه خواهد شد. به تدریج این روش تبدیل به راه‌کاری برای دریافت ربا گردید. روشن است که چنین جریمه‌ای هرچند در ظاهر مشمول عنوان ربا نباشد در واقع ربا و حرام خواهد بود.

۲۹

نقد حقوق

بررسی فقهی قوانین مربوط به ...

در قراردادهای بانکی نیز جای این نگرانی هست که بانک برای مدت زمان معینی اعطای قرض بدون بهره یا تسهیلات بانکی کند و در آن قرارداد، شرط جریمه را پوششی برای گرفتن ربا قرار دهد. اما بررسی زوایای مختلف قراردادهای بانکی ایران خلاف این را نشان می‌دهد، زیرا اولاً، قراردادهای بانکی به تناسب موضوع قرارداد برای مدت زمان ، می‌شود به طوری که معمول افراد می‌توانند در آن زمان بدهی خود را بپردازند؛ تسهیلات قرض‌الحق تا پنج ساله، فروش اقساطی یک تا پانزده ساله، مشارکت‌های مدنی دو تا چند ساله بوده و مضاربه‌های شش نه‌ای طراحی می‌شوند که گیرنده تسهیلات به اهداف خود برسد و امکان پرداخت را داشته باشد. نتیجه عمل کرد چند سال گذشته بانک‌ها نیز حکایت از آن دارد که بیش از ۹۰٪ استفاده‌کنندگان تسهیلات بانکی می‌توانند طبق زمان‌بندی بانک، بدهی خود را پرداخت کرده و متحمل هیچ جریمه‌ای نشوند.

ثانیاً، حداکثر ۱۰ درصد از تسهیلات اعطایی بانک‌ها از طریق قرارداد قرض بدون بهره است که بانک ممکن است شرط جریمه تأخیر را پوششی برای دریافت ربا قرار دهد و بیش از ۹۰ درصد تسهیلات بانک بر اساس سایر قراردادها به ویژه فروش اقساطی است که بانک می‌تواند از همان ابتدا به تناسب مبلغ و مدت پرداخت، قیمت بالاتری مطرح کند و نیازی به شرط جریمه برای پوشش ربا نیست؛ برای مثال، کالایی را که قرار بود بانک اقساط دو ساله به قیمت پنج میلیون بفروشد، با اقساط چهارساله به قیمت شش میلیون می‌فروشد. بنابراین در غالب قراردادهای بانکی زمینه‌ای برای حلیه ربا از طریق شرط جریمه وجود ندارد.

ثالثاً، در بیش‌تر قراردادهای بانکی نرخ جریمه تأخیر به اندازه‌ای تعیین می‌شود که گیرنده تسهیلات آن را راه‌کار مناسبی برای تمديد و استمرار قرار داد نمی‌بیند. برای مثال، در

قراردادهای فعلی بانکهای ایران نرخ جریمه تأخیر تأدیه شش درصد بیش تر از نرخ تسهیلات متعارف است و این باعث می شود در شرایط طبیعی هیچ گیرنده تسهیلاتی شرط جریمه را جایگزین افزایش مبلغ بدهی برای استمرار قرارداد نبیند.

جمع بندی

بررسی ابعاد مختلف دیدگاه شورای نگهبان مبنی بر جواز دریافت جریمه تأخیر به صورت

شرط ضمن عقد نتایج زیر را به همراه دارد:

- ۱- جواز دریافت جریمه تأخیر به صورت شرط ضمن عقد، گرچه در ظاهر اطلاق دارد ا
- به قوانین خاصی چون قانون اعسار و ورشکستگی، شامل اشخاص حقیقی یا حقوقی که به دلیل ورشکستگی و امثال آن ناتوان از پرداخت بدهی هستند نمی شود و آنان احکام و قوانین خاص خود را دارند؛
- ۲- ربای معاملی به معنای مبادله دو کالای هم جنس همراه با زیادی، شامل شرط جریمه تأخیر نمی شود؛
- ۳- ربای قرضی یعنی شرط زیاده در قرارداد قرض، شامل شرط جریمه تأخیر نمی شود؛
- ۴- ربای جاهلی یعنی توافق بر افزایش مبلغ بدهی در مقابل تمدید مهلت پرداخت شامل نمی شود؛

۵- شرط جریمه تأخیر در قراردادهای بانکی ایران حيله و پوششی برای دریافت ربا نیست.

نتیجه این که: «شرط جریمه تأخیر تأدیه» نه مخالف قرآن و سنت است، نه ربا است و نه حيله ای برای گرفتن ربا است، بلکه راه کاری برای الزام بدهکار به پرداخت به موقع بدهی و جریمه ای برای فرد متخلف است که در عین توانایی، نقض تعهد کرده و پیمان مالی خود را زیر پا گذاشته است. بنابراین آوردن آن به عنوان شرط ضمن قرارداد اشکالی نداشته و مطابق قاعده «المؤمنون عند شروطهم» لازم الوفا خواهد بود.

۲- قانون نحوه وصول مطالبات بانکها

چنان که گذشت، نظر شورای نگهبان مبنی بر جواز دریافت جریمه تأخیر به صورت شرط ضمن عقد، تا حد زیادی مشکل بانکها را حل کرد، اما بانکها مدعی بودند عدم دریافت جریمه تأخیر از بدهکاران گذشته که برخی از آنها وامهای کلانسی گرفته و در باز پرداخت به موقع آن تعلل کرده اند، اشکالهای فراوان مالی تولید کرده و صدمات زیادی به سیستم بانکی وارد

مخالفت شورای نگهبان با دریافت جریمه تأخیر از چنین بدهکارانی باعث شد مسئله در دستور کار مجمع تشخیص مصلحت نظام قرار گیرد. مجمع در دی ماه سال ۱۴۰۰ با عنوان قانون نحوه وصول مطالبات بانک‌ها به تصویب رساند که در تاریخ / / تأیید مقام معظم رهبری رسید و به مورد اجرا گذاشته شد. این مصوبه که به عنوان حل معضل نظام طبق بند ۸ اصل ۱۱۰ قانون اساسی انجام گرفت وام گیرندگان بانک‌ها را ملزم کرد علاوه بر اصل و فرع بدهی، خسارت تأخیر تأدیه را نیزپردازند و محاکم نیز مکلف به صدور حکم بر اساس این مصوبه شدند: (مهرپور، همان:) .

۳- جواز دریافت خسارت تأخیر تأدیه برای دارندگان چک به اندازه نرخ تورم

همان‌طور که گفته شد، مطابق مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام در تاریخ / / دارندگان چک می‌توانند از تاریخ سررسید چک تا زمان وصول، بر مبنای نرخ تورم که تو بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌شود، خسارت تأخیر تأدیه دریافت کنند و این مصوبه در آخرین اصلاحیه قانون چک (مورخ ۱۳۸۲/۲/۶) مورد تأیید شورای نگهبان قرار (روزنامه رسمی، ص ۲، مورخ / /) .

این قانون تا زمانی که مستند به مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام بود نیاز به مستند فقهی خاص نداشت و می‌توانست به عنوان حکم ولایی و از مصادیق بند / اصل ۱۱۰ قانون اساسی (حل معضل نظام) به حساب آید. اما از زمانی که مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفته نیازمند مستند خاص فقهی است و باید با احکام و عناوین اولیه شرع مخالفتی نداشته باشد. بدیهی است نسبت به احکام و عناوین اولیه، داشتن چک به عنوان سند خاص بدهی موضوعیت ندارد و تفاوتی در حکم شرعی ایجاد نمی‌کند. به طور کلی طلبکار یا حق دریافت مازاد بر مبلغ بدهی به عنوان خسارت تأخیر تأدیه به اندازه نرخ تورم دارد یا ندارد و نوع بدهی، چک یا سفته یا هر سند دیگر در حکم شرعی تأثیر نمی‌گذارد. بر اساس این، مستند فقهی این قانون را با قانون بعد که عمومیت دارد یک‌جا بررسی می‌

۴- جواز دریافت خسارت تأخیر تأدیه به اندازه نرخ تورم

مطابق ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی، اگر طلبکار دین خود را مطالبه نماید و بدهکار با داشتن تمکن، از پرداخت آن امتناع ورزد، در صورتی که نرخ تورم فاحش باشد، طلبکار می‌تواند به اندازه نرخ تورم، خسارت تأخیر تأدیه دریافت کند.

مستند فقهی این ماده و ماده ۴ قانون چک را در دو مرحله بررسی می‌کنیم؛ در مرحله نخست به میزان انطباق این مواد با آرای فقهی مراجع تقلید پرداخته و در مرحله بعد مستند فقهی مواد قانون را تبیین می‌کنیم.

مرحله نخست: میزان انطباق ماده ۵۵۲ قانون آیین دادرسی مدنی و ماده ۴ قانون چک با آرای مراجع تقلید

در سال‌های اخیر که از یک طرف اکثر قرض‌ها و معاملات مدت‌دار بر اساس پول رایج می‌باشد و از طرف دیگر به خاطر وجود تورم‌های بالا، ارزش واقعی بدهی‌ها کاهش پیدا می‌کند، سؤال‌های زیادی برای مردم عادی و مراکز قانون‌گذاری و قضایی مطرح می‌شود و استفتائات زیادی از مراجع تقلید صورت می‌گیرد که در ظاهر ممکن است متفاوت باشند اما از جهت محتوا همگی به این برمی‌گردند که: «در شرایط تورم بالا که ارزش واقعی و قدرت خرید دین کاهش می‌یابد، آیا طلبکار حق دارد برای جبران کاهش ارزش طلب خود، مبلغی بیش از مبلغ اسمی دین مطالبه کند؟» مراجع تقلید بر اساس مبانی فقهی خود به این سؤال جواب داده‌اند که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود:

آیت‌الله سیستانی: «مادامی که پول به کلی ارزش خود را از دست نداده است، معیار ضمان و بدهکاری‌ها همان مقدار از پول است که سابق بوده و کم شدن ارزش، موجب افزایش ضمان و بدهکاری نمی‌شود؛ (پایگاه اطلاع‌رسانی رسا،)».

آیت‌الله فاضل لنکرانی: «خیر، هیچ کدام از ادله مذکور مجوز جبران کاهش ارزش پول نمی‌باشد. پول از نظر ایشان مثلی است و گیرنده، ضامن همان است که گرفته است، نه ضامن قدرت خرید و غیره؛ (همان).»

آیت‌الله تبریزی: «چنانچه شخص بابت قرض یا غیر آن مبلغی از پول رایج را به دیگری بدهکار باشد طلبکار فقط همان مبلغ را می‌تواند مطالبه کند و حق مطالبه بیش از آن را ندارد و کاهش یا افزایش قدرت خرید پول تأثیری در حکم مزبور ندارد، والله العالم؛» (مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، :)».

آیت‌الله خامنه‌ای: «احوط مصالحه است، والله العالم؛» (همان).

آیت‌الله بهجت: «احوط مصالحه است، والله العالم؛» (همان).

آیت‌الله موسوی اردبیلی: «بحث مثلی و قیمی شامل کالاهای واسطه (پول) نمی‌شود، ولی اگر کسی مثلاً صد تومان به هر علتی بر عهده داشته باشد، مادامی که ارزش پول فرق فاحشی

نکرده باشد، همان را مدیون است و در صورتی که فرق فاحش بکنند، باید ارزش در نظر گرفته شود و یا مصالحه کنند؛ (همان:) .

آیت الله نوری همدانی: «چون اسکناس از امور اعتباری می باشد از دایره مثلیات و قیمیات که از امور حقیقیه هستند خارج است، البته در بعضی موارد مانند زمانی که مدت بازپرداخت طولانی و تفاوت بین ارزش فعلی و گذشته فاحش باشد، ارزش فعلی محاسبه می شود» (پایگاه اطلاع رسانی رسا،) .

۳۳

فهرست حقوق

بزرگی
فقهی
فهرست
فرائین
مربوط
به
...

آیت الله مکارم شیرازی: «مسئله دو صورت دارد: یک وقت شخص با میل خود وامی به دیگری می دهد و می داند در این مدت تورم بالا می رود و در عین حال به این کار راضی شده است، چنین کسی حق ندارد مبلغ بیش تری بگیرد چون خودش اقدام کرده است. صورت دوم آن است که شخصی خسارتی بر کسی وارد کرده و یا مدیون است و زمان ادای دین رسیده و آن را مدت زیادی تأخیر می اندازد، به طوری که نرخ تورم بالا می رود، در این صورت ادای دین و جبران خسارت جز با در نظر گرفتن نرخ تورم متوسط اشیای مختلف صدق نخواهد کرد؛ (همان).

آیت الله صافی گلپایگانی: «به طور کلی اگر بدهی اشخاص، اسکناس رایج و مانند آن باشد و موعد پرداخت آن رسیده باشد یا اشتغال ذمه به آن، به طور نقد باشد، و به عبارت اخری بدهی مذکور حال یا در حکم حال باشد و با مطالبه دائن، بدهکار مسامحه در تأخیر در ادا نماید و با افزایش شاخص قیمت ها و تغییر قدرت خرید، مالیت و قدرت خرید آن زاید از متعارف به نحو غیر متمسح فیه کاهش یابد، ظاهر این است که عرفاً طلبکار متضرر شده و بدهکار نسبت به ضرر مذکور از دیرکرد پرداخت طلب بستانکار حاصل شده، ضامن می گردد. چنان که اگر کسی اسکناس یا چک یا سند کسی را عدواناً نگاه دارد تا مالیت آن کاهش یابد، ضامن نقصان مالیت و ضرر وارده بر صاحب اسکناس خواهد بود...» (:) .

آیت الله سید کاظم حائری: «چنانچه تأخیر ادا، عمدی و ضرری بوده مانند غاصب که مال کسی را خورده و پس از بیست سال توبه کرده و می خواهد ادا کند یا مانند مدیون که وقت ادای دین او فرا رسیده و قادر به ادا هست، ولی معصیتاً ادا نمی کند، در این صورت، طبق قاعده لا ضرر مقدار کاهشی را که به این پول عارض شده، شخص مقصر، ضامن است و چنانچه تأخیر ادا با توافق طرفین بوده یا به دلیل «نظرة الی میسر» بوده، دلیل بر ضمان کاهش وجود ندارد و شخص مدیون در این صورت امین است و ضمانتی برای او وجود ندارد؛ (همان:) .

مطالعه دقیق آرای فقها و مراجع تقلید نشان می‌دهد که مفاد ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی و ماده ۴ قانون چک تا حدودی منطبق با نظر آیات عظام موسوی اردبیلی، نوری همدانی، مکارم شیرازی، صافی گلپایگانی و سیدکاظم حائری است و با نظر آیات عظام بهجت و خامنه‌ای ناسازگار نیست و می‌تواند راه‌کاری برای مصالحه باشد، اما با نظر آیات عظام تبریزی، فاضل لنکرانی و سیستانی ناسازگار است.

مرحله دوم: تبیین مستند فقهی ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی و ماده ۴ قانون چک

زمانی که در وضعیت تورمی کسی به دیگری فرض مدت‌دار می‌دهد و یا با او معامله مدت‌دار انجام می‌دهد به طور معمول متوجه است که به تدریج در اثر تورم، از ارزش واقعی و قدرت خرید پولی که قرض داده یا دینی که طلب دارد کاسته می‌شود و به طور معمول این توجه، بر نحوه قرض دادن و معاملات مدت‌دار تأثیر گذاشته و باعث می‌شود قرض‌ها کوتاه مدت‌تر و تفاوت نرخ‌های نقد و نسبه بیش‌تر شود؛ به عنوان مثال، اگر در وضعیت غیر تورمی کالای ده هزار تومانی را به یازده هزار تومان به صورت نسبه می‌فروخت، در شرایط تورم درصد، آن کالا را به دوازده هزار و پانصد تومان می‌فروشد، و معنای این امر این است که قرض دهنده و معامله‌کننده به آثار تورم توجه دارد و به رقم بدهی در سررسید معین راضی بوده و خود به آن اقدام کرده است.

به این بیان، اگر با آگاهی از آثار تورم به دیگری قرض مدت‌دار می‌دهد در واقع اقدام به پذیرش کاهش ارزش دارایی خود و ایثار به قرض‌گیرنده می‌کند و اگر معامله مدت‌دار می‌در واقع اقدام به مبادله کالا یا خدمت خود در مقابل مبلغ معین در سررسید مشخص می‌در نتیجه حق مطالبه مازاد در سررسید مقرر را ندارد.

حال اگر بدهکار در سررسید مقرر بدهی خود را نپردازد، هر چه زمان می‌گذرد در اثر تورم از ارزش مالی و قدرت خرید بدهی کاسته می‌شود و طلبکار از این ناحیه متضرر می‌شود؛ برای مثال، کسی که سی سال پیش باغی را به صد هزار تومان فروخته و مشتری به هر دلیلی قیمت باغ را نپرداخته، امروزه احساس می‌کند که با صد هزار تومان حتی نمی‌تواند در باغ را خریداری کند و مشتری متخلف نیز احساس می‌کند می‌تواند تنها با فروش بخشی از محصول یک‌سال باغ، کل بدهی‌اش را بپردازد! به این دلیل است که برخی از فقها با استناد به دلایلی، کاهش ارزش بدهی را حق طلبکار دانسته، بدهکار را موظف به پرداخت قدرت خرید یا مصالحه با طلبکار کرده‌اند.

در استدلال به این نظریه چند دلیل فقهی ارایه شده که به بررسی آن می‌پردازیم.

۱ - لزوم ادای کامل بدهی

مطابق آیات و روایات، هر مدیونی باید دین خود را به طور کامل ادا کند و به تصریح برخی مراجع، ادای دین امری عرفی است و در شرایط تورمی به ویژه زمانی که نرخ تورم شدید باشد عرف پرداخت مبلغ اسمی بدهی را ادای دین به حساب نمی‌آورد.

آیت‌الله مکارم شیرازی در تبیین این استدلال می‌فرماید: «اگر تورم در زمان کوتاه و مقدار سالی باشد محاسبه نمی‌شود، چرا که همیشه تغییراتی در اجناس و قدرت خرید پول پیدا شده و می‌شود و سیره مسلمین و فقها بر عدم محاسبه تغییرات جزئی بوده است. ولی اگر تورم شدید و سقوط ارزش پول زیاد باشد تا آن حد که در عرف، پرداختن آن مبلغ ادای دین محسوب نگردد باید بر اساس وضع حاضر محاسبه کرد و در این مسئله تفاوتی میان مهریه و

۳۵

فهرست حقوق

بزرگ‌ترین فقهی - حقوقی جزئیات مربوط به ...

سایر دیون نیست. مثلاً در یکی از استفتائات آمده بوده که شخصی در سی سال قبل اجرت بنا را نپرداخته، در حالی که بنا برای او ده روز کار کرده و اجرت بنا در آن روز ۱۸ تومان یعنی ۱۸۰ ریال بوده، به یقین اگر کسی بخواهد اجرت بنا را به قیمت آن روز، یعنی ۱۸ تومان برای هر روز بپردازد، در هیچ عرفی ادای دین محسوب نمی‌شود و همچنین در مورد اتلاف قیمیات بنابراین که قیمت سابق را بپردازد، هیچ عرفی آن را جبران خسارت نمی‌شمرد.

بنابراین نه در دیون و نه در خسارات دیگر، پرداختن قیمت سابق در این گونه مقامات مصداق ادای دین یا جبران خسارت نیست و به همین دلیل باید به نرخ روز حساب کرد... نتیجه این که در مواردی که تغییرات قیمت‌ها در کوتاه مدت یا دراز مدت کم باشد عرف آن را مصداق ادای دین می‌داند و پذیرا می‌شود، اما تفاوت‌های شدید و فاحش قابل قبول نیست و ادای دین محسوب نمی‌شود»؛ (یوسفی، همان: و) .

۲- لزوم جبران ضرر طلبکار

در شرایط تورمی، زمانی که مدیون پرداخت بدهی خود را به تعویق می‌اندازد به میزان تورم از افزایش دارایی و قدرت خرید دین کاسته می‌شود و این از دیدگاه عرف ضرر به حساب می‌آید و از آن جا که مدیون با تأخیر در پرداخت و نقض عهد موجبات این ضرر را فراهم کرده، از دید عرف ضرر مستند به او است و چون داین راضی به این ضرر نیست، به مقتضای قاعده نفی ضرر باید ضرر او جبران شود و حکم به اکتفا به مبلغ اسمی دین با قطع نظر از کاهش ارزش آن، حکم به ضرری است که در اسلام نفی شده است.

برخی از مراجع چون آیت الله نوری همدانی، صافی گلپایگانی و سیدکاظم حائری به دلیل

لاضرر استناد کرده‌اند؛ برای مثال، آیت‌الله نوری همدانی در این باره می‌گوید: «... لازم است به طور کلی در باب دیون و جنایات و ضمانات، ارزش‌ها و قدرت خریدها - که در زمان‌های مختلفی متفاوت می‌شود - را همیشه در نظر بگیریم و به حساب بیاوریم تا راه توجه ضرر و زیان را نسبت به داین و مجنی علیه و مضمون له مسدود سازیم، البته تعیین کمیت و مقدار آن در زمان تأدیه با نظر متخصصین باید باشد»؛ (یوسفی، همان:) .

۳ - لزوم تدارک اتلاف مالیت

به اعتقاد برخی از فقها پول امروز پول اعتباری است و فایده‌ای جز وسیله خرید اشیا ندارد، به خلاف پول‌های درهم و دینار که خود دارای ارزش ذاتی و استعمالی بودند. در نتیجه، همه اعتبار و مالیت پول‌های امروز به ویژه پول‌های کاغذی به قدرت خرید آن‌ها است و کاغذ آن‌ها ارزشی ندارد. با توجه به این مسئله، در شرایط تورمی زمانی که کسی پول دیگری را غصب می‌کند یا پرداخت بدهی او را به تعویق می‌اندازد موجب از بین رفتن قدرت خرید و مالیت پول می‌شود و از آن‌جا که تمام قوام و اعتبار پول امروز به مالیت آن است تلف شدن مالیت پول همانند تلف عینی کالاهای دیگر است، در نتیجه به مقتضای قاعده علی‌البد در باب می‌گوید: «هرکس مال دیگری را بدون رضایت او تصرف کند و آن مال تلف شود ضامن است»، غاصب و مدیونی که تخلف از پرداخت به موقع بدهی کرده، ضامن کاهش مالیت پول است و باید آن را جبران کند.

حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی در مقام استدلال به این دلیل می‌فرماید: «... تمام اعتبار و مالیت اسکناس به همان قدرت خرید است و مقصود بالاصاله از آن توسل به خرید و تملک اشیا است. بنابراین نقصان مالیت آن، مثل نقصان عینی کالا است، چون زیان خارجی آن منهای این مالیت اعتباری، مقصود نیست و لذا نقصان آن عرفاً ضرر است و اگر عدواناً واقع شود موجب ضمان است، خواه در ذمه باشد، خواه در خارج و این به خلاف این است که اسکناس در ذمه در اثنای مدت مقرر یا با اجازه تأخیر از بستانکار، تنزل قیمت پیدا کند، زیرا در این صورت در ملک و تحت تصرف خودش ترقی یا تنزل یافته است و کسی ضامن زیان آن نیست»؛ (همان:) .

قدر مشترک دلایل سه گانه این است که بعد از فرا رسیدن سررسید بدهی، اگر طلبکار مطالبه دین کند و بدهکار با تمکن از پرداخت بدهی، امتناع کند، در صورتی که نرخ تورم فاحش باشد، از دید عرف بدهکار موجب ضرر و زیان طلبکار شده، مال او را تلف کرده و

اکتفا به پرداخت مبلغ اسمی بدهی ادای دین به حساب نمی‌آید بلکه بدهکار برای رفع ضرر و جبران خسارت و صدق عرفی ادای دین باید به اندازه کاهش ارزش پول، خسارت طلبکار را جبران نموده و به اندازه‌ای به او بپردازد که قدرت خرید او محفوظ بماند. بنابراین می‌توان گفت مفاد ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی و ماده ۴ قانون چک از باب عمل به قدر مشترک دلایل سه گانه یادشده است.

۴- جواز دریافت بهره و خسارت تأخیر تأدیه از اشخاص و مؤسسات خارجی غیرمسلمان

۳۷

فهرست حقوق

مطابق نظریه شورای نگهبان مورخ ۱۳۶۶/۱۰/۲۴ دریافت بهره و خسارت تأخیر تأدیه از دولت‌ها، مؤسسات، شرکت‌ها و اشخاص خارجی که بر حسب مبانی عقیدتی خود دریافت آن را ممنوع نمی‌دانند، از نظر شرعی جایز است.

این نظریه شورای نگهبان از باب استناد به استثنای حرمت ربا بین مسلم و کافر حربی است که هم در روایات آمده (حرّ عاملی، ۱۴۱۳: ۱۳۵) و هم به ادعای صاحب جواهر مورد اجماع فقهای شیعه است (نجفی، ۱۹۸۱: ۳۸۲). البته همان‌طور که در روایات و کلام فقها تصریح شده است، استثنا مربوط به گرفتن ربا است نه دادن ربا؛ (امام خمینی، :).

نتیجه

از بررسی آخرین قوانین و مقررات درباره جریمه و خسارت تأخیر تأدیه نتایج ذیل به دست می‌آید:

۱. مجوز شورای نگهبان به بانک‌ها برای دریافت جریمه تأخیر تأدیه به صورت شرط ضمن عقد، اگر چه با فتاوی بعضی از فقها ناسازگار است و آن را از مصادیق ربا یا حيله ربا می‌دانند، اما با فتاوی گروهی دیگر سازگار است و به نظر می‌رسد دیدگاه فقهی شورای نگهبان مبنی بر تفاوت ما هوی بین جریمه تأخیر و ربا قابل دفاع است؛
۲. موافقت مجمع تشخیص مصلحت نظام با دریافت جریمه و خسارت تأخیر تأدیه از قراردادهای سابق بر قانون عملیات بانکداری بدون ربا بر اساس حکم حکومتی و از باب حلّ معضل نظام است؛
۳. ماده ۴ قانون چک (مصوب / ۱۳۸۳) و ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی (مصوب / /) مبنی بر جواز دریافت خسارت تأخیر تأدیه در حدّ نرخ تورم نیز گرچه با فتاوی بعضی مراجع ناسازگار است و آن را از باب ربا جایز نمی‌دانند اما با فتاوی بعضی دیگر از مراجع سازگار بوده و از مصادیق ربا نمی‌باشد و به نظر می‌رسد دست کم در تورم‌های فاحش حق با این دسته است؛
۴. مجوز شورای نگهبان مبنی بر جواز دریافت بهره و جریمه تأخیر تأدیه از خارجیان غیرمسلمان مبتنی بر استثنای حرمت ربا بین مسلمان و کافر است.

منابع

- ۱- بخش فرهنگی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ربا، قم، انتشارات بوستان کتاب.
- ۱- تسخیری، محمدعلی، شرط کیفری مالی در بانکداری بدون ربا، فصلنامه تخصصی فقه اهل بیت، شماره .
- ۳- حرّ عاملی، محمدبن ، وسائل الشیعه، بیروت، مؤسسه آل‌البیت، ج ۱ .
- ۱، روح‌الله، تحریرالوسیله، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۱ .
- ، تحریرالوسیله، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۱ .
- ۶- — ، کتاب البیع، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۱ .
- ۷- رضوانی، غلامرضا، مصاحبه با آیت‌الله رضوانی درباره بانکداری اسلامی، تهران، بانک مرکزی، .
- سعیدی، عبدالله، الربا فی المعاملات المصرفية المعاصرة، ریاض، دار .
- ۹- مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه، مجموعه آرای فقهی - قضایی در امور حقوقی، قم، ج ۱ .
- ۱۰- مهرپور، حسین، مجموعه نظرات شورای نگهبان، تهران، مؤسسه کیهان، .
- ۱- موسویان، عباس، طرح سامان‌دهی صندوق‌های قرض‌الحسنه، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، ن .
- ۱۲- — ، بانکداری اسلامی، پژوهشکده پولی و بانکی، .
- ۱۳- نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام، تحقیق علی آخوندی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۱ .
- هدایت‌نیا، فرج‌الله، خسارت تأخیر تأدیه، آسیب‌شناسی فقهی قوانین، قم، مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه، ج ۱ .
- ۱۵- وحدتی شبیری، حسن، مطالعه تطبیقی خسارت تأخیر تأدیه در حقوق ایران و فقه امامیه، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، ن .
- ۱۶- یوسفی، احمدعلی، ربا و تورم، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، .